

# ایران به کدام سو می‌رود؟

مصاحبه کانال جدید با حمید تقوائی

این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است

۲۸ دی ۱۴۰۰، ژانویه ۲۰۲۲

مندرچ در انترناسیونال ۹۵۶

**خلیل کیوان:** زیر پوست جامعه چه میگذرد؟  
مطالبات مردم چه هست؟ تمایلات آنها چه  
سمت و سویی دارد؟ نظام سیاسی که مردم  
خواهان آن هستند چه مشخصاتی دارد؟

در چهل و سومین سالگرد انقلاب ۵۷  
پرسشهایی از این دست و اظهار نظرهای  
مختلفی از طرف حکومتی ها، مردم و نیروهای  
مختلف اپوزیسیون شنیده میشود. نگاهی  
داشته باشیم به برخی از این اظهار نظرها و  
پرسش ها.

حمید تقوایی، اظهار نگرانی های مقامات  
حکومت درباره وضعیت بیشتر از همیشه  
خبرساز میشود. در تازه ترین اظهار نظرها

تقی رستم پور، رئیس سازمان امور اجتماعی کشور و معاون وزیر کشور، میگوید میل به ایجاد تغییرات اساسی در کشور در حال افزایش است و اضافه میکند که مردم بطرف حکومت غیردینی و سکولار روز بروز گرایش شان بیشتر میشود. از نظر شما اهمیت چنین اظهار نظرهایی در مجموع چه هست؟ آیا ایشان حرف تازه ای زده است؟

**حمید تقوائی:** اظهار نظر ایشان بنظر من گوشه کوچکی از یک واقعیت عظیم تری را در جامعه نشان میدهد. واقعیتی که چنان حکومتی ها را در مخمصه قرار داده و زیر فشار قرار داده که ناگزیر هستند به این شکل از میل مردم به تغییرات اساسی و روگردانی شان از حکومت

مذهبی شکوه بکنند.

واقعیت این است که مردم نه تنها از حکومت مذهبی روی گردان شده و خواهان یک حکومت سکولار هستند بلکه فراتر از آن از مذهب متنفر شده اند. اگر اتفاقاتی که در همین چند ماه اخیر رخ داده را بازبینی بکنید، می بینید که دیگر مثلاً آخوندها جرات نمیکنند با عبا و عمامه در ملاء عام ظاهر بشوند. این را خودشان هم صریحا بارها گفته اند. کلیپهائی در مدیای اجتماعی می بینید که زنی عمامه آخوندی را لگدمال میکند، مردم معترض نیروهای گشت ارشاد را فراری میدهند و یا هر چه نقل و نبات است با خشم نثار اسلام و مقدسات اسلامی میکنند و غیره.

اینها همه نشان دهنده یک برآمد ضد مذهبی تازه ای است، یک تعرض تازه است علیه نه فقط حکومت مذهبی بلکه علیه مذهب، علیه اسلام. جامعه به مرز انفجار رسیده و تنفر شدیدی را در همه بخشهای جامعه از قوانین مذهبی، مقدسات مذهبی، حکومت مذهبی و غیره می بینید. این واقعیت عظیم است که یک مقام حکومتی را ناگزیر کرده است که اعتراف کند مردم خواهان تغییرات اساسی هستند، از حکومت رویگردان شدند و دولت سکولار میخواهند. در عین حال با این بیانات میخواهند مساله را کوچک جلوه بدهند. خواست سکولاریسم هنوز فضای ضد مذهبی جامعه را منعکس نمیکند. مردم خواهان جمع

شدن خرافات و مقدسات و قید و بندهای مذهبی و طاعون مذهب از همه ابعاد زندگی سیاسی و اجتماعی خودشان هستند. این واقعیتی است که در جامعه بروشنی قابل مشاهده است.

**خلیل کیوان:** زنان از جمله نیروهایی هستند حکومت از آنها وحشت دارد. در تازه ترین اظهار نظرها وزیر کشور میگوید که اگر انقلاب بخواهد ضربه ببیند از ناحیه زنان است. جایگاه جنبش زنان و مطالباتشان در تحولات آینده چه هست؟ آیا زنان وضعیتی را که امروز دارند در مقایسه با موقعیتی که در رژیم گذشته داشتند نگاه میکنند و مورد سنجش قرار میدهند؟

**حمید تقوائی:** بی شک زنان نیروی تعیین کننده ای در مبارزه علیه جمهوری اسلامی هستند، هم در تحولاتی که در ایران فی الحال در حال رخ دادن است و هم روند هائی که در آینده به جامعه شکل خواهند داد. دلیل اش هم روشن است. جمهوری اسلامی از همان روز اولی که به قدرت رسید نه تنها تبعیض و بی حقوقی فاحشی را در حق زنان اعمال کرد بلکه تحقیر و توهین نسبت به زنان یک امر همیشگی این حکومت بوده است. مساله از تبعیض فراتر است. حکومت زن را بعنوان انسان زیر سوال برده است. زن در ایدئولوژی جمهوری اسلامی و در قوانین اسلامی برده جنسی است. از تجاوز به دختران ۹ ساله که به اسم ازدواج شرعی انجام میشود بگیری تا

تلقى از زن بعنوان یک موجود صغیری که باید تحت قیمومت شوهر یا پدر و برادر، تحت اراده مردان خانواده، زندگی کند، اجازه سفر نداشته باشد، اجازه طلاق نداشته باشد، اجازه نه تنها ورزش بلکه حضور در ورزشگاه را نداشته باشد و غیره و غیره. اینها نشان میدهد که جمهوری اسلامی پنجاه درصد جامعه را حتی انسان عادی حساب نمیکند. این بزرگترین و بنظرم در تاریخ معاصر هر کشوری، توهین آمیزترین، تحقیرآمیزترین و ضد انسانی ترین برخوردی است که به زنان یک جامعه میشود.

به همین دلیل هم هست که از روز اولی که این حکومت روی کار آمد اولین جنبش و اعتراض توده ای، جنبش زنان علیه حجاب اجباری



یکماه بعد از به قدرت رسیدن خمینی بود. از آن زمان تا امروز مدام جنبش زنان وسیعتر و تعرضی تر شده است. مساله بی حقوقی زن مساله همه جامعه است. به همین دلیل است که جنبش برای آزادی زن ابعاد گسترده ای پیدا کرده است و امروز می بینیم که یک نیروی تعیین کننده در جنبش سرنگونی طلبانه جامعه زنان هستند.

این نظریه هم که زنان میخواهند به گذشته برگردند بنظر من پوچ است. اینطور نیست که در گذشته زنان با مردان برابر بودند. برخی از این همین قوانین ضد زن اسلامی قبلا هم وجود داشت. در حکومت گذشته هم زن در بسیاری از عرصه ها برابر با مرد محسوب نمیشد و

حتی تحقیر زنان جزئی از "فرمایشات ملوکانه" و فرهنگ شاهنشاهی بود. اینکه جمهوری اسلامی وضع را بسیار بدتر کرده است به این معنا نیست که حالا زنان بین بد و بدتر، بد را انتخاب میکنند. جامعه دارد مشت به آسمان میکوبد، زنان خواهان یک زندگی برابر، مدرن و انسانی هستند در مقایسه حتی با پیشرفته ترین کشورهای اروپایی. زنان تمام آزادی، تمام حقوق خودشان را میخواهند و برای آن مبارزه میکنند، و نه وضعیتی که کمی بهتر باشد.

من فکر میکنم مبارزه ای که در ایران امروز مشاهده میکنیم و در جنبه های مختلفی به جلو میرود و یک رکن مهمش مبارزه زنان است، خواهان یک جامعه کاملاً آزاد و برابر و انسانی

است که بر آخرین دستاوردهای علم و تمدن امروز بشر منطبق باشد و این به هیچ وجه نه تنها در حکومت فعلی بلکه در حکومت‌های گذشته هم نمایندگی نمیشد. بنظر من مردم ایران قالب‌های حکومتی دیکتاتوری صدساله اخیر، از انقلاب مشروطه تا به امروز، را در هم خواهند شکست و جامعه‌ای کاملاً انسانی، برابر، آزاد و مرفه را پایه‌ریزی خواهند کرد. سیر تحولات به این سمت حرکت میکند.

**خلیل کیوان:** روشن است که دو جنبش و نیروئی که در تحولات نقش مهم دارند دو موردی بود که اشاره کردید. قدرت جنبش ضد مذهبی و تمایلات سکولاریستی که حکومت هم به آن اذعان دارد و همینطور جنبش برابری

طلبانه زنان. علاوه بر این دو مساله مطالبات دیگر جامعه چه هست آن تمایلات اساسی که نیروهای اجتماعی طلب میکنند و آینده را رقم میزنند، کدامها هستند؟

**حمید تقوائی:** بنظر من یک مساله اساسی نابرابری فاحشی است که در جامعه پیداد میکند. نابرابری از نظر اقتصادی و همچنین از نظر سیاسی و اجتماعی بین اکثریت عظیم مردم و یک اقلیت مفتخور صاحب ثروت و قدرت. در یکسو صاحبان قدرت و صاحبان سرمایه و آیت الله های میلیاردی قرار دارند، اقلیتی که امروز یک درصدی ها نامیده میشوند، و در سوی دیگر توده مردم زحمتکشی که به زیر خط فقر رانده شده اند. شعار "حقوق های

نجومی، فلاکت عمومی “ صریحا به این دره فاحش بین فقر و ثروت در جامعه اشاره دارد. بی حقوقی ها، قوانین ضدانسانی، شلاق مذهب علیه جامعه، فسادها و دزدی ها، زندان و اعدام و سرکوب و غیره، تمام اینها از ملزومات حفظ قدرت یک درصدیها علیه اکثریت عظیم مردم است. اقلیت ناچیزی ثروتهای میلیاردی دارد و توده عظیمی معیشت روزانه خودش را نمیتواند تامین کند. این بنظرم آن شکاف اساسی است که زیر بنای تمام این اعتراضات را تشکیل میدهد. اگر ما می بینیم مثلا زنان این چنین به بی حقوقی رانده شده اند، یا حاشیه نشینی اینقدر گسترش پیدا کرده است، کارتن خوابی و بی سرپناهی در جامعه زیاد شده، اگر می بینید کولبران را اینطور به گلوله میبندند،

اگر می بینیم که به تظاهرات ها اینطور شلیک میکنند، اگر می بینیم که اعدام و شکنجه و زندان اینقدر گسترش پیدا کرده است و جنبش دادخواهی در نتیجه اینطور قدم بلند کرده است و سر برآورده، تمام این ها بر این مبنا است که میخواهند قدرت و ثروت و سلطه یک اقلیت مفت خور در برابر جامعه ای که در حال انفجار است حفظ بشود؛ در برابر جامعه ای که این وضعیت را نمی پذیرد و هر روز وسیع تر و تعرضی کل حکومت و نظام موجود را در عرصه های مختلف به چالش میکشد. این اساس مساله است و تمام جنبش ها و اعتراضات را میتوان بر این مبنا بررسی کرد و پی برد که چه میگویند و چرا اعتراض میکنند و به کدام سمت میروند.

این را هم باید اضافه کنم که جامعه دیگر به حکومت بعنوان دولتی که مسئول اداره امور است و صرفا سیاستهای غلط و ضد مردمی دارد نگاه نمیکند بلکه آنرا جلاد و قاتل مردم میدانند. از همین روست که جنبش دادخواهی با خواست سرنگونی و محاکمه سران حکومت شکلی چنین گسترده و تعرضی به خود گرفته است. من بارها گفته ام که امروز، مشخصا از خیزش ۹۶ به بعد، مردم و حکومت مانند دو دشمن آشتی ناپذیر در گیر جنگی برای بقا شده اند. جمهوری اسلامی با سیاست "بکش و بمان" برای بقای خود در قدرت میجنگد و مردم برای بقای زندگی. این شکل نهائی نبرد میان یک درصدیها و نود و نه درصدی ها در

ایران است.

**خلیل کیوان:** آخرین پرسش را از شما دارم،  
میشنویم از سران و مقامهای حکومتی و حتی  
برخی از نیروهای اپوزیسیون راست که مردم به  
احیای گذشته تمایل دارند. آیا حقیقتی در این  
اظهار نظرها شما می بینید و چرا این موضوع  
را برجسته میکنند و از نظر شما چه انتخاب  
هایی در مقابل مردم قرار دارد؟

**حمید تقوایی:** من همیشه گفته ام که کسانی  
که گذشته را به مردم وعده میدهند، آینده ای  
ندارند. هیچ جامعه ای به گذشته بر نمی گردد.  
اعتراضات مردم، مبارزات مردم بخصوص در  
جامعه امروز ایران نشان میدهد که مردم



میخواهند اتفاقاً از این گذشته کاملاً ببرند، کاملاً قطع رابطه بکنند و یک آینده ای را میخواهند که همانطور که گفتم حتی جلوتر و پیشرفته تر از کشورهای فرض کنید اروپایی و غربی باشد. مردم آزادی هایی را میخواهند، مدنیتی را میخواهند، رفاهی را میخواهند که در گذشته ایران اثری از آنها نمی بینید. کلاً مردم با معیار هایی که معمولاً در مورد کشورهای جهان سوم یا آسیایی، آفریقایی بکار میرود به زندگی شان نگاه نمیکنند، آخرین دستاوردهای تمدن امروزی را میخواهند، آخرین دستاوردهای فرهنگی، علمی، هنری را میخواهند در جامعه پیاده کنند.

یک نکته دیگر که باید توجه داشت این است که

مبارزات مردم امروز در آن چهارچوبی نیست که مقامات و یا نیروهای اپوزیسیون راست سعی میکنند در آن محدودش کنند. همانطور که اشاره کردم مردم به این حکومت بعنوان جنایتکار نگاه میکنند نه بعنوان یک حکومت مسئول جامعه که این و یا آن سیاست اش غلط است، و به این اعتبار هر نوع دیکتاتوری هر نوع حکومتی که اعدام را مثلا در قوانین اش داشته باشد، که زندانی سیاسی داشته باشد، که شکنجه داشته باشد، که بخواهد به روی جامعه تازیانه بکشد، ذره ای اختناق و بی حقوقی را بخواهد به جامعه تحمیل کند - که گورستان آریامهری خود نمونه بارز چنین اختناقی بود - مردم آنرا تحمل نخواهند کرد. جمهوری اسلامی عقب مانده ترین، جانی ترین

و ضدانسانی ترین حکومتی است که جامعه ایران به خودش دیده است به همین دلیل دقیقاً جنبشی را در مقابل خودش بسیج کرده است که خواهان آزادترین، مرفه ترین و انسانی ترین معیارها و قوانین و مناسبات اجتماعی در ایران است و این چیزی جز سوسیالیسم نیست. این را نه تنها ما بلکه امروز دیگر حتی رهبر جنبش سلطنت طلبی هم دارد میگوید که آینده ایران سوسیالیستی خواهد بود. تنها سوسیالیسم میتواند از نظر اقتصادی، از نظر فرهنگی، از نظر سیاسی و اجتماعی برابری و آزادی کامل را متحقق کند و یک جامعه انسانی را در ایران برقرار کند. عنوان برنامه شما این است که ایران به کدام سو میرود؟ جواب خلاصه من این است: ایران بطرف سوسیالیسم میرود.

این را امروز حتی اپوزیسیون راست هم دارد  
اعتراف میکند.

با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن  
اولیه این مصاحبه.

۱۹ ژانویه ۲۰۲۲

**وب سایت:**

**www.wpiran.org**

**تماس با حزب:**

پیامگیر تلگرام: **wpi\_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

**۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵**

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام